

متن پرسش

سلام استاد بهتر از جانم: بنده در انتخابات سال ۹۲ یک پیامی برای شما در سایت نوشتم که عبارت بود از این که «رهبری در دیدار اعضای بنیاد فرهنگی خاتم فرمودند: شما که کار فرهنگی می کنید وارد امور سیاسی نشوید چرا که سیاست می رود و شما می مانید» و بعدا متوجه شدم شما نیز با این گروه مرتبط هستید و عضو شورای آن در استان اصفهان هستید ولی تعجب می کنم چرا در مورد انتخابات اظهار نظر کردید؟ جالب است که دقیقا موضوع سخن آقا در آن صحبت، انتخابات بود. و تعجب دوباره ی من این است که چرا هنوز وارد مباحث سیاسی می شوید؟ آیا نظر آقا غیر از این است که مثلا کاندیدای مورد نظر خود در انتخابات را معرفی نکنید؟ آیا غیر از این است که مثلا وقتی بحث بیانیه و توافق گرم است سلبا یا اثباتا نظر ندهید؟ استاد محترم، به نظرم همان طور که باید در مورد همدلی و هم زبانی که رهبری فرمودند دقت کنید، در مورد عدم ورود در مباحث سیاسی توسط شخصیت های فرهنگی و فرهنگ ساز آن هم در حدّ شما که می توانید جریان های فرهنگی کشوری را تغذیه کنید نیز باید دقت کنید. به عنوان نمونه می گویم چرا امثال آقای خسروپناه و پارسانیا و میرباقری مثل شما وارد این مباحث به این ریزی نمی شوند؟ شما را به خدا مواظب رهبری جبهه ی فرهنگی که توسط شما در برخی مقیاس ها دارد انجام می گیرد باشید. چرا وقتی پر بازدیدترین سوالات سایت شما را می زنیم، سوال در مورد مشائی است؟ چرا وقتی بیانیه ای صادر می شود ثقل سوال و جواب های سایت شما منعطف به آن می شود؟ بله، خوب است در این امور هم ما شخصی را داشته باشیم که هدایت و راهنمایی مان کند و شما هم می توانید این کار را بکنید ولی این مهم، شما را از جایگاه مهم تری دور می کند. استاد محترم باز هم می گویم شما را به خدا شما را به خدا روی این جمله ی رهبری هم که می فرمایند «امور سیاسی می رود ولی شما که کار فرهنگی می کنید می مانید» به همان اندازه که روی شعار امسال فکر کردید، فکر کنید ای قربان فکر و فکر کردن شما بروم من با عقل قاصر من این طور می فهمم که به خاطر شعار امسال، اگر از شما در مورد بیانیه ی لوزان بپرسند بهتر است بفرمایید «از باب همدلی و هم زبانی، نقد های آقایان شریعتمداری و زاکانی را نمی پسندم ولی بهتر است کمی صبر کنیم» به هر حال به جوری این ها را بیچانید تا کم کم ثقل سوال و جواب های سایت اینقدر سیاسی نباشد و شما به عنوان رهبر فکری باقی بمانید. یا علی مدد خیلی مخلصیم

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ضمن تشکر فراوان از توصیه های فوق العاده دلسوزانه تان. بگذارید به رسم

درد و دل عرض کنم: روزی که به بنده پیشنهاد مدیر کلی آموزش و پرورش استان اصفهان را در سال ۱۳۶۹ دادند مدت‌ها گریه کردم زیرا می‌دانستم از محبوب‌های دلم که کتاب بود و کتاب بود و خلوت! جدا می‌شوم ولی عهدی با انقلاب داشتم که آن عهد شرعی اجازه نمی‌داد از زیر بار آن مسئولیت شانه خالی کنم. در مورد موضوعات سیاسی که به سرنوشت انقلاب گره خورده است باز قصه از همین قرار است. آری همین‌طور که متذکر شده‌اید جبهه‌ی فرهنگی انقلاب نباید در قواره‌ی یک حزب وارد مسائل سیاسی شود، ولی آیا واقعاً می‌توان نسبت به مباحث سیاسی انقلاب در موضع‌گیری‌هایی که منجر به تحقق اهداف رهبری می‌شود کوتاه آمد؟! به نظرم موضوع برادر عزیزمان جناب آقای دکتر جلیلی از این جنس بود و وقتی احساس می‌شود رفقای اصول‌گرا در موضوع قرارداد هسته‌ای تا حدّ زیادی رهنمودهای رهبر عزیز «حفظه‌الله» را در راستای همدلی و هم‌زبانی با دولت نادیده می‌گیرند، آیا وظیفه‌ی فرهنگی اقتضا نمی‌کند متذکر موضوع باشم؟ می‌دانم متأسفانه فضا آن‌قدر غبارآلود است که این نوع تذکرات با نگاه سیاسی دیده می‌شود و یک نحوه ضربه به آبروی فکری فرهنگی بنده می‌زند، ولی مگر انسان آبرو را برای کجا می‌خواهد؟! این‌که در نهایت دلسوزی می‌فرمایید ثقل سؤال و جواب سایت این اندازه سیاسی نباشد، توصیه‌ی کاملاً درستی است و خدا را شکر می‌کنم که در این سایت با چنین کاربرانی مثل شما و یا سؤال‌کننده‌ی شماره‌ی ۱۱۷۷۳ مرتبط هستم، ولی روی این مسئله هم فکر کنید که نباید از یگانگی بین دیانت و سیاست که روح تاریخی است که حضرت امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» ظهور دادند غفلت کرد و در عین عدم ورود در موضوعات موسمی و زودگذر سیاسی از حضور ابعاد سیاسی شریعت الهی بازماند که می‌دانم البته و صد البته منظور شما این نیست. ما هم مخلصیم. موفق باشید